

به همت جمعی از "طلاب علاقمند
به حوزه اخلاق" برگزار می گردد:

فلسفه اخلاق کارگاه

ساماندهی اخلاق اجتماعی در جامعه و حکومت دینی؛ چگونه ... چرا؟



حجت الاسلام و المسلمین دکتر
حسین دیبا
مدیر قطب اخلاق و سبک زندگی دفتر تبلیغات

زمان : یکشنبه ۱۸ بهمن ماه . ساعت ۱۸

مکان : قم . خیابان صفائیه . کوچه ۲۵ . فرعی اول سمت چپ . پلاک ۸۷

برای اطلاع از نشست های آتی، نام و نام خانوادگی خود را به سامانه ۰۷۴۷۳۰۷۲۷۰۹۱۰۰۰ پیامک فرمایید.



www.EthicHouse.ir

خانه اخلاق قزوین جوان

www.telegram.me/EthicHouse

کارگاه ۲۰ فلسفه اخلاق

ساماندهی اخلاق اجتماعی در
جامعه و حکومت دینی؛ چگونه ...
چرا؟

آقای دکتر حسین دیبا

دوشنبه ۱۸ بهمن ماه ۹۴

به قلم: مریم کلافتی

مقدمه

بحث ما راجع به ضرورت پرداختن به اخلاق اجتماعی است و درباره چستی، چرایی و چگونگی پرداختن به اخلاق اجتماعی صحبت خواهیم کرد.

ابتدا در یک حصر عقلی متعلق اخلاق را تقسیم می‌کنیم و بعد بررسی می‌کنیم نسبت اخلاق با چیزی که متعلقش است چگونه است. اخلاق یا در مورد رفتار ما است، یا در قالب خلیات ما است، و یا نسبتی را با دیگری برقرار می‌کند و یا برقرار نمی‌کند. اگر نسبتی را با دیگری برقرار نکند، یک جنبه شخصی و فردی پیدا می‌کند که اخلاق فردی می‌شود. اگر غیر در رفتار و خلیات ما ملحوظ نباشد، اخلاق فردی می‌شود و اگر ملحوظ باشد و نسبت به غیر، متعدی باشد، خودش اقسامی پیدا می‌کند. بحث مهم این است که غیر چه کسی و چه چیزی باشد. اگر خلیات و رفتار ما معطوف به غیر است که آن غیر خداوند متعال است این اخلاق بندگی است.

تا اینجا دو تا اخلاق داشتیم یکی اخلاق فردی که اصلاً متعدی و ناظر به غیر نیست و یک قسم هم اخلاق بندگی که معطوف به غیر است و آن غیر خداوند متعال است. اگر آن غیر انسان‌های دیگر باشند اخلاق اجتماعی می‌شود. اگر انسان‌ها نباشند، اخلاق‌های دیگری مثل اخلاق محیط زیست را شامل می‌شود. پس ما در یک تقسیم کلی چهار نوع اخلاق را می‌توانیم به لحاظ کلی متعلقش داشته باشیم: اخلاق فردی، اخلاق بندگی، اخلاق اجتماعی و اخلاق متعلق به غیر است که آن غیر، خدا و انسان نیست. در کتاب‌ها در مبحث تقسیم اخلاق، اخلاق را سه گانه تقسیم می‌کنند؛ اخلاق فردی، اخلاق بندگی و اخلاق اجتماعی، در این تقسیم قسم چهارم مغفول باقی می‌ماند. بحث ما از این اقسام چهارگانه اخلاق اجتماعی است، یعنی آن خلیات و رفتاری که معطوف به غیر است و آن غیر هم نه خداست و نه غیر انسان، بلکه انسان است که به آن اخلاق اجتماعی می‌گوییم.

چستی اخلاق اجتماعی و حوزه بحث

وقتی می‌خواهیم از اخلاقی اجتماعی، چستی، ضرورت و چگونگی تحققش صحبت کنیم، نمی‌خواهیم در قالب اخلاق توصیفی سخن بگوییم. یعنی نمی‌خواهیم بگوییم در نظام اخلاقی اسلام، فضایل و رذایل نظام اجتماعی کدام‌ها است. همچنین نمی‌خواهیم رویکرد هنجاریمان را نسبت به اخلاق اجتماعی بیان بکنیم که آیا رویکرد هنجاریمان

رویکرد وظیفه‌گرا، نتیجه‌گرا و یا رویکرد فضیلت‌مداری است. بلکه می‌خواهیم به چگونگی تحقق اخلاق اجتماعی در خارج پردازیم. البته پرداختن به اینکه چگونه در خارج می‌خواهد تحقق پیدا کند لاجرم از یک پایگاه و منظر، اخلاق هنجاری شکل خواهد گرفت. منتها آن را مفروض می‌گیریم. یعنی در بحث اخلاق هنجاری این اصل مفروض می‌گیریم که ما در آن قسمت نتیجه‌گرا هستیم و نگاه وظیفه‌گرایی یا فضیلت‌گرایی نداریم. اما وارد بحث نخواهیم شد. این حوزه بحثی است که خواهیم داشت. اولاً اخلاق اجتماعی خواهد بود و ثانیاً ناظر به اخلاق توصیفی یا اخلاق هنجاری مطلبی را راجع به اخلاق اجتماعی عرض نمی‌کنیم.

چرایی ضرورت پرداختن و توجه به اخلاق اجتماعی

شاید نیاز چندانی به بیان این ضرورت نداشته باشیم اما شاید ویژگی‌های جامعه و عصر ما این را طلب کند که به



چرایی و ضرورتش در حال حاضر پردازیم. به نظر می‌رسد اخلاق اجتماعی یک مطلوبیت ذاتی دارد، مطلوبیت ذاتی به این معنا که با قطع نظر از خواست خداوند متعال و با قطع نظر از آیین و مذهب افراد مطلوبیت دارد. یعنی به نظر می‌رسد ما باید قائل به مطلوبیت ذاتی اخلاق اجتماعی شویم، ولو این که ملتزم به دین یا مذهب خاصی نباشیم. یک بار از منظر برون‌دینی مطلوبیت اخلاق اجتماعی را می‌گوییم که همان بحث‌های ضرورت اخلاقی هست که کانت و دیگران به آن پرداختند. اما حتی با نگاه‌های درون‌دینی و نصی هم شاید بتوانیم در

آموزه‌های دینی خودمان ادله‌ای پیدا کنیم که بیان کند اخلاق اجتماعی خودش فی حد نفسه مطلوبیت دارد و برای این منظور می‌توان به بعضی از روایات تمسک کرد. بعضی از روایات به روشنی دلالت دارد بر اینکه اخلاق اجتماعی

خودش مطلوبیت دارد و در بعضی روایات این طور ترسیم شده که خدا آدم کافر را دوست دارد اگر ملتزم به اخلاق اجتماعی بشود. در برخی از روایات آمده است که خداوند متعال از این شخص ملتزم به اخلاق اجتماعی رفع عذاب می‌کند یا عذابش را کاهش می‌دهد. پس ادله درون‌دینی هم دلالت می‌کند که اخلاق اجتماعی مطلوبیت دارد ولو اینکه شخص مقید به دین خاصی و متدین نباشد، کافر باشد و اصلاً خدا را هم قبول نداشته باشد. پس خود اخلاق اجتماعی با قطع نظر از مطلوبیت دینی‌اش، این مطلوبیت ذاتی را دارد که ما به آن بپردازیم.

اما به عنوان یک ضرورت اجتماعی هم ما این را درک می‌کنیم. یعنی در شرایط زمانی‌ای که ما زندگی می‌کنیم لااقل در جامعه خودمان، ضرورت اخلاق اجتماعی را درک می‌کنیم. اینجا شاید نیاز به بیان آمارهای آسیب‌شناسانه در حوزه اخلاق اجتماعی نباشد و به جهت سوگیری‌هایی که نوعاً در نهادهای آماری و نظرسنجی جامعه وجود دارد، شاید آمارهای درستی نداشته باشیم. اما با قطع نظر از این آمارها به وجدان درک می‌کنیم که وضعیت ما به لحاظ اخلاق اجتماعی وضعیت مطلوبی نیست. این چیزی است که دوست و دشمن به آن اذعان می‌کند و در حقیقت می‌توانیم بگوییم در یک پیک وضعیت بحران در حوزه اخلاق اجتماعی در ایران هستیم. اگر نخواهیم به آمارها بپردازیم همین گزارشاتی که مراجع رسمی ما گاهی از سر ناچاری می‌گویند کافی است. مثلاً فرض بفرمایید قوه قضاییه وقتی در معرض فشار افکار عمومی قرار می‌گیرد که چرا پرونده‌ها با کندی رسیدگی می‌شود یک دفعه مثلاً معاون دادستانی کل کشور اعلام می‌کند که ایران با جمعیت ۷۰ میلیونی‌اش ورودی پرونده‌هایش حدود ۷ میلیون است و ژاپن با جمعیت ۱۳۰ میلیون سالانه ورودی پرونده‌هایش از ۳۵۰ هزار تا تجاوز نمی‌کند. البته متوجه هستیم که ممکن است توجیهاتی ارائه شود که وضعیت جرم‌انگاری در کشور ما با ژاپن تفاوت می‌کند. بعضی چیزها را در کشور ما جرم می‌دانند که در آنجا جرم نیست. اما به نظر می‌رسد این فاصله آنقدر زیاد است و نسبت این تفاوت آنقدر بالا است که جای اینگونه توجیهات باقی نمی‌ماند. به عنوان مثال اینطور که گفته می‌شود در سال تنها نزدیک دو الی سه میلیون، آمار چک داریم، وقتی یک چک برگشت می‌خورد نشان‌دهنده عدم وفای به عهد و پیمان شکنی، و عدم احترام به اموال دیگران است. این یک هنجار اخلاقی است. یا نمونه‌هایی دیگری که ما در بحث اخلاق اجتماعی در حوزه ترافیک و رانندگی‌مان می‌بینیم. این وضعیتی که ما اینجا می‌بینیم شاید در کشورهای تازه رونق گرفته مثل کشورهای حوزه خلیج فارس هم وجود نداشته باشد. این نوع پرخاش‌هایی که در رانندگی‌مان داریم، پایمال کردن حق دیگران در رانندگی، اینها چیزهایی عجیبی است که در جامعه شاهدش هستیم. به نظر من این خیلی گویا است و

نیاز به بیان چرایی برای ضرورت پرداختن به اخلاق اجتماعی نداریم همین دوسه مورد را وقتی نگاه می‌کنیم و به آن توجه می‌کنیم، می‌بینیم که وضعیت ما وضعیت بحرانی است.

ضرورت عقلانی پرداختن به این بحث که به نظر من روشن است فارغ از هر دین و مذهبی ما می‌توانیم مطلوبیت اخلاق اجتماعی را داشته باشیم ولو مطلوبیت الهی‌اش را، یعنی خداوند حتی از انسان کافر هم اخلاق اجتماعی را توقع دارد اگرچه امروزه در تربیون‌های اخلاقی ما یا

منبرهای ما بر این پای‌فشاری می‌شود که اخلاق وقتی ارزش دارد که از پایگاه ایمان باشد. به نظر من این گونه تقلید از دین و این گونه تقلید از اخلاق از دست دادن یک سری ظرفیت‌ها در جامعه است یعنی اگر همه اخلاق را به ایمان ربط دهیم، ظرفیت اخلاقی

بودن جامعه را از دست داده‌ایم، چون خیلی‌ها انگیزه اخلاقی بودن دارند ولی پایگاه‌هایشان پایگاه‌های ایمانی نیست و صرفاً یک پایگاه انسانی است. ما چرا این انگیزه را از آن‌ها بگیریم؟

چگونگی تحقق اخلاق اجتماعی

در بحث چگونگی تحقق اخلاق اجتماعی، که در حقیقت بحث اصلی ما هست، با یک نگاه کاهشی روبه‌رو هستیم. با این فروکاهش بحث چگونگی پیاده‌سازی اخلاق اجتماعی دچار یک نوع بحران شده‌ایم و آن این است که در حقیقت در بحث اخلاق اجتماعی، ظرفیت‌های دین را درست تعریف نکرده‌ایم؛ یعنی ما اگر اخلاق اجتماعی را به عنوان یک ضرورت در جامعه نیاز داریم، چه ظرفیت و چه پایگاهی را باید برای دین قایل باشیم و چه ظرفیت و پایگاهی را برای عقلانیت و دانش بشری باید قایل بشویم. به نظر من اگر این قضیه واقعاً ساماندهی نشود یعنی استراتژی ما در تربیت اخلاقی جامعه و نهادینه‌سازی اخلاق اجتماعی در جامعه روشن نشود، برای ساماندهی اخلاق اجتماعی در جامعه دچار مشکل خواهیم شد. در حال حاضر وضعیت موجود چگونه است؟ چیزی که در نهادها و تربیون‌های فرهنگی ما ترویج می‌شود این است که تنها باید از پایگاه دین به ظرفیت اخلاقی رسیدگی کنیم. در حقیقت همان مشکلی که در بحث چستی و چرایی اخلاق اجتماعی داشتیم و در مورد نقش دین نگاهی افراطی وجود داشت، اینجا

هم به نظر می‌رسد بعضی‌ها نقش حداکثری برای دین قایل هستند و این یک سری مشکلات را برای ساماندهی اخلاق اجتماعی ایجاد کرده است.

بحث نهادینه سازی و گسترش اخلاق اجتماعی را در بعد شناختی و انگیزشی رسیدگی می‌کنم، که آیا پایگاه و منظر دینی برای توسعه و گسترش اخلاق اجتماعی کافی است یا خیر. به لحاظ شناختی و بُعد شناختی مسائل اخلاقی، اگر بخواهیم فقط به ظرفیت‌های دینی بسنده کنیم، یعنی نص‌گرا یا چیزی شبیه نص‌گرایی را انتخاب کنیم و شناخت‌ها را صرفاً بر اساس آموزه‌های دینی سامان بدهیم، تجربه نشان داده است که در این زمینه حد نصاب کافی را برای شناخت‌های اخلاقی‌مان نداریم. یعنی دقیقاً همان مشکلی که برای نظام سازی اجتماعی در خیلی از حوزه‌ها مانند حوزه اقتصاد و سیاست داریم، همین مشکل را در زمینه اخلاق هم داریم. در حقیقت عدم تعریف درست در رابطه علم و دین به بحث اخلاق هم سرایت کرده است.